

مجلس چهارم:

جهت نیل به علّت غائی روزه رعایت

هفت امر ضروری است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الصَّلَاةِ عَلٰی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

و لعنه الله على أعدائهم أجمعين من الآن

إلى قيام يوم الدين

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ. <sup>1</sup>

آیه شریفه علّت غائی روزه را وصول به

ملکه تقوی دانسته است

آنچه از اخبار ائمه علیهم السّلام

استفاده می شود آنست که: روزه دار از

غیبت و ایذاء خادم، و شتم و سبّ و

استماع غیبت، و از توجّه به غیر خدا و

نظایر آنها از صفات زشت باید خودداری  
کند. و معلومست که در آیه مبارکه فوق  
که علّت غائی روزه را وصول به مرحله  
تقوی دانسته است، بدون مراعات این  
امور حاصل نگردد. و لذا علماء علم  
اخلاق، مانند حجّی الاسلام غزالی<sup>2</sup> و  
مرحوم مولی محسن فیض کاشانی و

غیرهما روزه را به سه قسم تقسیم  
نموده‌اند: روزهٔ عام، و روزهٔ خاص، و  
روزهٔ خاصّ الخاصّ. و ما به توفیق  
خداوند متعال با شرح و بسط بیشتری با  
استفاده و استشهاد از اخبار اهل بیت  
عصمت سلام الله علیهم أجمعین مطالب  
آنان را بیان می‌کنیم.

اوّل: روزهٔ عامّ، و آن عبارت است از

کفّ بطن و فرج از قضاء شهوات، و

تفصیل آن در کتب فقهیّه مذکور است.

دوّم: روزهٔ خاصّ، و آن عبارت است

از کفّ سمع و بصر و لسان و دست و پا

و سایر جوارح از گناهان و هر چه مورد

رضای خداوند متعال نیست. روزه‌دار

باید چشم و گوش و زبان خود را نگاه  
دارد از مکروهات؛ چون طبق روایتی که  
از حضرت صادق علیه السلام روایت  
شده است که **الصَّوْمُ جَنَّةٌ**<sup>۳</sup>، باید روزه یک  
سپری باشد از جمیع گناهان، و طبق آیه  
مبارکه باید روح و حقیقت روزه او را به  
مقام تقوی رهبری کند؛ و برای حصول

آن باید هفت امر را مراعات کرد:

**هفت امر که برای حصول ملکه تقوی**

**باید رعایت شود**

**اول:** چشم پوشیدن و نگهداری آن از

رها شدن آن بسوی هر چه مذموم و

مکروه است. چون چشم که بیفتد به امر

مذمومی، بدنبال او دل حرکت می‌کند و



در آن افق گناه می ایستد؛ پس برای  
نگاهداری دل باید چشم را از محرّمات  
نگهداری نمود. حضرت رسول الله  
فرمودند:

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ،  
فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أُعْطَاهُ إِيمَانًا  
يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.<sup>4</sup>

شاید معنی شعر مرحوم بابا طاهر (ره)

که می فرماید:

باید که در راه شهبوات و لذائذ محرمه  
این باشد که با کفّ نفس و دندان به روی  
جگر گذاردن، راه شهبوات و لذائذ محرمه  
را بر خود می بندم تا مرغ دل من به دنبال  
دانه از راه شبکه و دام دیده در تله گناه  
نیفتد و گرفتار نشود.

دوم: نگاهداشتن زبان از هر چه

گفتنش شایسته نیست؛ مانند دروغ، غیبت،

نمّامی، فحش، سب، جفا و تعدّی در

گفتار، خودنمائی، مجادله و بطور کلی

هرزه‌گوئی یا سخنان بیهوده و لغو گفتن و

یاوه‌سرائی نمودن.

در «ثواب الأعمال» مرحوم صدوق

(ره) با إسناد خود روایت کرده است از

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّهُ قَالَ: ... مَنْ اخْتَابَ مُسْلِمًا بَطَلَ

صَوْمَهُ وَ نَقِضَ وُضُوؤَهُ، فَإِنْ مَاتَ وَ

هُوَ كَذَلِكَ مَاتَ وَ هُوَ مُسْتَحِلٌّ لِمَا

حَرَّمَ اللَّهُ. 5

گردش زبان، دل را به گردش در

می آورد؛ اگر زبان به ذکر خدا مترنم  
گردد، دل نیز در حرم خدا حرکت  
می کند، و اگر زبان به گناه حرکت کند،  
دل نیز در این مرتع شیطان جولان  
می کند. یک علت مهم آشوب دلها همانا  
تکثیر در کلامها است؛ به روایت عامه  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و

سَلَّمَ فرمودند:

لَوْلَا تَمْرِيجٌ فِي قُلُوبِكُمْ وَ تَكْثِيرٌ فِي

كَلَامِكُمْ لَرَأَيْتُم مَّا أَرَىٰ وَ لَسَمِعْتُم مَّا

أَسْمَعُ. <sup>6</sup>

و چون دل در هیجان و آشوب درآمد،

مانند آب مواجی عکس خورشید و ماه در

او منعکس نخواهد شد؛ به خلاف آنکه

آرام گیرد و به ذکر خدا مطمئن گردد، در

آنوقت جمال الهی در او تابیده متّصف به

صفات الهی خواهد شد. حضرت صادق

علیه السلام فرمودند:

إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ

و شَعْرَكَ وَ جِلْدَكَ، وَ عَدَدَ أَشْيَاءَ

غَيْرَ هَذَا؛ وَ قَالَ لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ

## کَیَوْمِ فِطْرِكِ<sup>7</sup>.

و در روایت دیگر حضرت باقر علیه

السَّلَام فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ

سَلَّمَ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: يَا جَابِرُ! هَذَا

شَهْرُ رَمَضَانَ؛ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ وَ قَامَ

وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَ عَفَّ بَطْنَهُ وَ فَرَّجَهُ وَ



كَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ

مِنَ الشَّهْرِ. فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ!

مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثَ! فَقَالَ رَسُولُ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا

جَابِرُ! وَ مَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطَ! <sup>8</sup>

حضرت صادق عليه السلام فرمودند:

إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

وَحَدَّثَهُ؛ ثُمَّ قَالَ: قَالَتْ مَرْيَمُ: إِنِّي

نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا، أَي صَوْمًا

صَمْتًا (وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى أَي

صَمْتًا)؛ فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ

وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا

تَحَاسَدُوا. قَالَ: وَ سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ امْرَأَةً

تَسُبُّ جَارِيَةً لَهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ، فَدَعَا  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ  
بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا: كُلِي! فَقَالَتْ: إِنِّي  
صَائِمَةٌ؛ فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَ  
قَدْ سَبَبْتَ جَارِيَتَكَ؟! إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ  
مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ. قَالَ: وَ قَالَ  
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صُمْتَ

فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ مِنَ الْحَرَامِ

وَالْقَبِيحِ، وَدَعِ الْمِرَاءَ وَأَذَى الْخَادِمِ،

وَلْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصِّيَامِ، وَ لَا

تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.<sup>9</sup>

سوّم: نگاهداشتن گوش است از هر

چه شنیدن آن برای انسان حرام و مکروه

شمرده شده، بلکه شنیدن چیزهای مباحی

که بر انسان نفعی ندارد. حضرت  
أمیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج  
البلاغی» به همّام دربارهٔ صفات متّین  
می‌فرماید:

و وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ

10  
لَهُمْ.

هر چه گفتنش حرام باشد شنیدنش

حرامست. بنابراین شنیدن غیبت و نمّامی

و نظایر آنها حرام، و روزه‌دار باید از آن

امساک کند. لذا خداوند بین مستمع دروغ

و آکل سُحْت را مساوی قرار داده

می‌فرماید: **سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ**

**لِلسُّحْتِ؛<sup>11</sup>** و پیغمبر صلی الله علیه و آله

فرمودند:

المُغْتَابُ وَ الْمُسْتَمِعُ شَرِيكَانِ فِي

الإثم. 12

چون ملاک حرمت غیبت کردن و

غیبت شنیدن واحد است، و آن اطلاع بر

قبایح خلق خدا و تیرگی دل بدگوئی

کننده و شنونده [است]؛ و چون دل

بواسطه شنیدن سخن محرم از خدا غافل

می‌شود و به معنی آن سخن قرار گرفته در  
افق معنای قبیح می‌رود، لذا برای  
نگهداری دل کفّ سمع عما لا یرضی الله  
به لازم است.

**چهارم:** نگاهداشتن بقیّهٔ اعضاء بدن از

گناه؛ مانند دست و پا و پوست بدن و

موی بدن. چون فعلی که معصیت و گناه



بود، نه از جهت آن عنوان فعل است  
بدون ملاحظه علّتی، بلکه حقیقت  
معصیت و ارتکاب گناه به علّت معنائی  
است که در آن مستور است، و آن یعنی  
دل را سیاه و از عالم نور به ظلمت و از  
خلوص به نفاق و از طهارت به قذارت و  
از حیات به موت و از توحید به تفرقه و

شرک می‌کشاند؛ و معلوم است که علت  
تشریح صیام که همان وصول به تقوی و  
پیدایش آثار طهارت است با گناه صورت  
نبندد، و به هر مقدار که شخص روزه‌دار  
گناه کند به همان مقدار اثر روزه‌اش  
ضعیف، و به هر مقدار خود را از گناه دور  
کند اثر روزه در او قوی خواهد بود.

بنابراین باید تمام اعضاء و جوارح را از  
کردار ناپسندیده بازداشت، و راه جولان  
آنها در هوای نفس که مرتع شیطان است  
را مسدود ساخت تا ملکهٔ قدسیهٔ دل  
بتواند آزادانه توجه به حرم قدس کند و  
در کاخ طهارت و منزل تقوی برود.

چشم و گوش و زبان و دست و پا و

فرج آلاتی هستند که پروردگار عظیم به  
بشر عنایت کرده است تا بدانها به عالم  
خارج مربوط شوند، و آیات الهی را  
ملاحظه کنند و با آنها تماس گیرند؛ در  
این صورت جان آنها زندگی بهتر و روان  
آنها نشاط و قدرت عظیمی پیدا خواهد  
نمود. و این تنها در صورتیست که با

موجودات خارجی با چشم پاک نظر کنند  
و آنها را آیت الهی دانند، و این آلات را در  
راه وصول به ملکه تقوی مصرف نمایند.  
و اما اگر بنا شود این آلات را وسیله وارد  
نمودن شیطان به نفس طاهره قرار دهند،  
همانا در استعمال آنها خیانت نموده‌اند و  
این سرمایه‌های بزرگ را در راه نابودی

حقیقت انسانیت خود بکار بسته‌اند، و با  
غفلت از اصل مقصود با این آلات به  
خارج متصل شده و خارج را نه بنظر  
آیتیت بلکه بنظر استقلال خواسته‌اند  
استخدام کنند. معلوم است که در این حال  
کاملاً عکس مقصود حاصل خواهد شد و  
با هر یک از این آلات راه خاصی برای

جولان نفس در ملتذات بهیمیّه باز نموده،  
عساگر و جنود شیطان از تمام این راه‌ها به  
او هجوم کنند و دل را محلّ تردّد و رفت  
و آمد خود قرار دهند.

در این صورت کجا جلال و عظمت  
الهی در او منکشف گردد؟! کجا با  
موجودات عوالم تجرّد مرتبط شود؟! کجا

از انوار جمال ساحت ربوبی متمتع

گردد؟! وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ

هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ

يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ؛<sup>13</sup> برای همیشه در

رتبه و أرض بهائم جاودان زیست خواهد

نمود، و از آنجا به ذروه عالیه مقام

انسانیت عروج نتواند نمود. و بالعکس



اگر رفته رفته راههای بهیمنیت را بر خود  
ببندد (نه آنکه چشم را ببندد، بلکه از گناه  
ببندد، نه آنکه گوش را ببندد، بلکه از  
معاصی ببندد و هکذا) کم کم انوار خدا در  
سرزمین نفس او تابش می کند و شمس  
حقیقت طلوع می نماید. و چون معلوم  
شد که این آلات امانتهای خدا هستند

برای وصول به این مقامات، و استعمال  
آنها حرامست مگر در راه رسیدن به این  
هدف، باید امانت را در مورد رضای خدا  
که امانت دهنده است صرف نمود؛  
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله  
و سلم فرمودند:

إِنَّمَا الصَّوْمُ أَمَانَةٌ فَلْيَحْفَظْ أَحَدُكُمْ

أمانته<sup>14</sup>.

اعضا و جوارح اماناتِ إلهی اند که باید

آنها را حفظ کرد

و چون کریمه شریفه : إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ

أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا<sup>15</sup> را تلاوت

فرمودند، دستهای خود را بر چشم و

گوش خود گذارده، فرمودند:

السَّمْعُ أَمَانَةٌ وَالبَصَرُ أَمَانَةٌ. <sup>16</sup>

و اگر امانت نبود حضرت رسول

نمی فرمودند: اگر کسی به روزه دار

مجادله و شتم نمود، در جواب بگوید:

إِنِّي صَائِمٌ. <sup>17</sup>

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا

الصُّومُ جَنَّةٌ، فَإِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا

فَلَا يَرَفْتُ وَلَا يَجْهَلُ، وَإِنْ أَمْرٌ

قَابِلُهُ أَوْ شَاتِمُهُ فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ. <sup>18</sup>

و معنی فليقلُ إِنِّي صَائِمٌ آنست که: این

زبان را به امانت به من داده‌اند برای آنکه

او را حفظ کنم، پس چگونه در آن خیانت

ورزم و سخن به جواب تو باز کنم.

بنابراین معلوم می‌شود که خداوند

علیّ اعلیٰ که فرموده: **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ**

**وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ**

**يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَىٰ**

**رَاجِعُونَ** ، <sup>19</sup> مراد به صبر همان روزه

ظاهر و کفّ بطن و فرج از شهوات

نیست؛ و مراد از نماز، نماز بدون توجه و

حضور قلب نیست؛ و الا معلومست که

آنها زیاد اهمیّتی ندارد، همه کس انجام  
می‌دهند، اختصاص به خاشعین و  
دل‌باختگان لقای او ندارد؛ آن صیام و  
صلاتی که بر همه سنگین است جز بر  
خاشعین، همان صلاّی و صوم بالمعنی  
الحقیقی است.

پنجم: کفّ بطن از خوردن غذای

حرام و مشتبه در وقت افطار و سحر و در  
طول شب؛ زیرا کفّ بطن از غذای حلال  
در طول روز و خوردن حرام در شب چه  
فائد‌های دارد؟ مثال چنین شخصی مثال  
کسی است که خانه‌ای بنا می‌کند ولی  
شهری را خراب می‌نماید؛ چون در غذای  
حلال زیاده‌روی و افراط غلط است، و



غذای حرام مطلقا ولو ذره‌ای باشد حرام.  
غذای حلال برای بدن حکم دوا دارد، و  
غذای حرام حکم سمّ قاتل. چنانچه دوا  
را زیاد استعمال کنیم ضرر دارد، ولی سمّ  
مهلک نه زیادی او بلکه اصلش مهلک  
است. بنابراین کسی که در روز از غذای  
حلال اجتناب می‌کند و شب غذای مشتبه

یا حرام می خورد مانند کسیست که از  
زیادی دوا اجتناب نموده، و بعوض سمّ  
قاتل خورده است؛ از ضرری پیشگیری  
نموده و خود را یک مرتبه در ضرر  
شدیدتر افکنده است.

قالَ أمير المؤمنين عليه السلام: كَمِ مِنْ  
صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ

الظُّمَأُ، وَ كَمِ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ

إِلَّا السَّهْرُ وَالْعَنَاءُ، حَبْدًا نَوْمِ الْأُكْيَاسِ

و إِفْطَارِهِمْ! <sup>20</sup>

و روایات از اهل بیت علیهم السّلام در

مضرّات روحی غذای مشتبه و حرام زیاده

از حدّ احصاست.

ششم: از زیاده خوردن در وقت افطار

خودداری کند و شکم خود را پر نگرداند؛

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَا مَلَأَ آدَمِيٌّ وَعَاءً شَرًّا

مِنْ بَطْنِهِ؛ فَإِنْ كَانَ وَ لَا بُدَّ، فَثَلَاثٌ

لِطَعَامِهِ وَ ثَلَاثٌ لِشَرَابِهِ وَ ثَلَاثٌ

لِنَفْسِهِ. 21

سابقاً ذکر شد که منظور از تشریح

روزه پائین آمدن سطح شهوات بواسطه

شکستن قدرتهای نفس اماره دشمن  
خداست؛ و معلوم است که چنانچه در  
طول روز آنچه انسان نخورده و نیشامیده  
در شب به اضعاف مضاعفه تدارک کند  
این منظور حاصل نمی‌گردد. اگر انسان  
معهه خود را از طلوع صبح تا شب خالی  
داشت و گرسنگی شدید بر او غالب آمد

و رغبت او بر غذا خوردن زیاده گشت و  
میل او به هیجان آمد، آن وقت از غذاهای  
رنگارنگ و انواع اطعمه و اشربه در هنگام  
افطار او را پر نمود، چه بسا قوت او  
زیادتر می گردد و شهوات او بیش از سایر  
ایام به هیجان درمی آید، و برای قضاء  
منظورهای شیطانی و قوای مخفیّهای که

سابقاً در او نمودی نداشته بیشتر دست  
می زد [می زند].

**جان و روح روزه عبارت است از**

**ضعیف نمودن قوای شیطانی**

بنابراین جان و روح روزه که عبارت  
است از ضعیف نمودن قوای شیطانی که  
راهبر انسان بسوی مهالک است حاصل

نخواهد شد مگر بواسطهٔ تقلیل در  
خوراک؛ و به همان مقدار که در سایر ایام  
هنگام غذا انسان می‌خورده است در موقع  
افطار بخورد نه بیشتر. و اما اگر بنا بشود  
انسان آنچه را که در سایر روزها از صبح  
تا شب می‌خورده جمع کند و بخواند  
هنگام افطار تدارک و تلافی کند، البته از



روح صوم خود چندان سودی نخواهد  
برد. اما آنچه بین بعضی از مترفّین  
مشهود است که برای ماه رمضان خود  
غذاهای لذیذتری آماده می‌کنند، و در  
شب مجالسی تشکیل می‌دهند و بخورد و  
خوراکهای متنوع مشغول می‌شوند، و چه  
بسا در شبهای رمضان بیشتر از ماههای

دیگر غذا می‌خورند، برای آنها این چنین  
روزه اثر واقعی نخواهد داشت. بلکه یکی  
از آداب روزه آنست که شخص روزه‌دار  
در روز زیاد نخوابد تا خوب گرسنگی و  
تشنگی را درک کند و ضعف قوای  
حیوانی را بفهمد، و هر شب که بگذرد  
قدری از این صفتهای قوای حیوانی به

روی هم متراکم گردد تا نشاط روحی او  
بحدّ کمال، و خفتّ قوای بهیمیّت او بحدّ  
نازل منتهی شود؛ در این حال ممکنست  
در اواخر ماه مبارک رمضان به شرف لیلی  
القدر مشرف گردد. چون لیلی القدر شبی  
است که در آن انوار ملکوت الهی بر عبد  
منکشف گردد؛ لذا برای کسی که

می‌خواهد از این بهره عظمای الهی

نصیبی وافر بردارد باید هر شب نیز

مقداری را به نماز و ذکر بگذراند.

رَوَى زُرَّارَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ

السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

لَمَّا أَنْصَرَفَ مِنْ عَرَافَاتٍ وَصَارَ [سَارًا]

إِلَى مَنْى، دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ

النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ فَقَامَ

خَطِيبًا فَقَالَ بَعْدَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ

عَزَّوَجَلَّ أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي

عَنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ لَمْ أَطُوهَا عَنْكُمْ<sup>22</sup>

لَأَنِّي لَمْ أَكُنْ بِهَا عَالِمًا. اعْلَمُوا أَيُّهَا

النَّاسُ: أَنَّهُ مِنْ وَرَدَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ

وَهُوَ صَاحِحٌ سِوَى فِصَامِ نَهَارِهِ وَقَامَ

وَرِدًا<sup>23</sup> مِنْ لَيْلِهِ وَوَاطِبَ عَلَيَّ صَلَاتِهِ

وَهَجَرَ<sup>24</sup> إِلَى جُمُعَتِهِ وَغَدَا إِلَى عِيدِهِ

فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَفَازَ بِجَائِزَةٍ

الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ<sup>25</sup>.

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَازُوا وَ

اللَّهُ بِجَوَائِزٍ لَيْسَتْ كَجَوَائِزِ الْعِبَادِ<sup>26</sup>.

و از طرفی دیگر معلومست که سلامت

روح ارتباط کامل به سلامت بدن دارد، و

پرخوری از هر چیز بیشتر بدن را می‌کاهد.

در کتاب «فقه الرضا» علیه السلام:

قال: قال العالمُ عليه السلام: رأسُ

الحمية الرفقُ بالبدن. <sup>27</sup>

و فی «المکارم» عن الرضا علیه

السلام:

قال: لو أنَّ النَّاسَ قَصَّروا في الطَّعامِ

لاستقامت أبدانهم. <sup>28</sup>

وَعَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحِمِيَّةُ

رَأْسُ الدَّوَاءِ وَالْمَعِدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ

عَوْدُ بَدَنًا مَا تَعَوَّدَ. <sup>29</sup>

و در كتاب «دعوات» الراوندى:

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:



إِيَّاكُمْ وَالبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ وَ

مُورَثَةٌ لِلسَّقَمِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ العِبَادَةِ. <sup>30</sup>

وَ عَنِ الأَصْبَغِ بنِ نُباتَةَ: سَمِعْتُ

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِابْنِهِ

الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِيَّ! أَلَا

أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ تَسْتَعِينُ بِهَا عَنِ

الطَّبِّ؟ فَقَالَ: بَلَى! قَالَ: لَا تَجْلِسْ

عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ، وَ لَا تَقُمْ

عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَ جَوْدٌ

الْمَضْغِ، وَ إِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ

عَلَى الْخَلَاءِ؛ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا

اسْتَغْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ. وَ قَالَ: إِنَّ فِي

الْقُرْآنِ لآيَةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: كُلُوا وَ

اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا. <sup>31</sup>

بعد از افطار باید مضطرب و معلق بین

خوف و رجاء بود

هفتم: آنکه دل بعد از افطار مضطرب

و معلق بین خوف و رجاء باشد، و مبادا او

را عجب و خودپسندی فراگیرد؛ چون از

کجا می‌داند که آیا روزه او قبول شده و از

مقربین درگاه خداست، یا رد شده و جزء

مطروودین است. و بطور کلی همیشه باید  
در بعد از عبادتی که از انسان سر می‌زند  
انسان فقط امید به رحمت او داشته باشد،  
نه آنکه پشت گرم به عملی که نموده است  
بوده باشد.

و نَظَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ  
إِلَى أَنَسٍ فِي يَوْمِ فِطْرِ يَلْعَبُونَ وَ

يَضْحَكُونَ؛ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ وَالتَّفَتَ

إِلَيْهِمْ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ

مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ يَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ

إِلَى رِضْوَانِهِ، فَسَبَقَ فِيهِ قَوْمٌ فَفَازُوا وَ

تَخَلَّفَ آخَرُونَ فَخَابُوا؛ فَالْعَجَبُ كُلُّهُ

الْعَجَبُ مِنَ الضَّاحِكِ اللَّاعِبِ فِي

الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَ

يُخِيبُ فِيهِ الْمُقْصِرُونَ! وَ أَيُّمُ اللَّهِ لَوْ

كُشِفَ الْغُطَاءُ لَشُغِلَ مُحْسِنٌ بِإِحْسَانِهِ

و مَسِيءٌ بِإِسَاءَتِهِ! <sup>32</sup>

این مجموع شرایط هفتگانه‌ای بود که

برای صوم الخاص لازم است.

و اما سوّم: صوم خاصّ الخاص، و

آن روزهٔ مقربین درگاه خداست. در باب

بیستم از «مصباح الشریعی» فرماید:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِّنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَحِجَابٌ

مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ. فَإِذَا صُمْتَ فَأَنْوِ

بِصَوْمِكَ كَفَّ النَّفْسَ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ

قَطَعَ الْهَمَّةَ مِنْ [عَنْ] خُطُواتِ  
الشَّيَاطِينِ [الشَّيْطَانِ]. وَ أَنْزَلَ نَفْسَكَ  
مَنْزِلَةَ الْمَرَضَى لَا تَشْتَهَى طَعَامًا وَ لَا  
شَرَابًا، وَ تَوَقَّعْ [مُتَوَقِّعًا] فِي كُلِّ لَحْظَةٍ  
شِفَاكَ مِنْ مَرَضِ الذُّنُوبِ، وَ طَهَّرْ  
بَاطِنَكَ مِنْ كُلِّ كَذِبٍ [كَدْرٍ] وَ غَفَلَةٍ  
وَ ظُلْمَةٍ يَقْطَعُكَ عَنْ مَعْنَى الْإِخْلَاصِ



لَوَجِهَ اللهُ [تَعَالَى]؛ إِلَى أَنْ قَالَ:

وَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«قَالَ اللهُ تَعَالَى: الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا

أَجْزَى [أَجْزَى] بِهِ». وَ الصَّوْمُ يُمِيتُ

مُرَادَ النَّفْسِ وَ شَهْوَةَ الطَّبَعِ

[الْحَيَوَانِيَّ]، وَ فِيهِ صَفَاءُ الْقَلْبِ وَ

طَهَارَةُ الْجَوَارِحِ وَ عِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَ

الباطنِ و الشُّكْرُ عَلَى النُّعْمِ و

الإِحْسَانُ إِلَى الْفُقَرَاءِ و زِيَادَةُ التَّضَرُّعِ

و الخُشُوعِ و البُكَاءِ و حَبْلُ الْاِلْتِجَاءِ

إِلَى اللَّهِ. ثُمَّ سَبَبُ انْكِسَارِ الْهَمَّةِ [و]

تَخْفِيفُ السَّيِّئَاتِ و تَضْعِيفُ

الْحَسَنَاتِ و فِيهِ مِنْ الْفَوَائِدِ مَا لَا

يُحْصَى، و كَفَى مَا ذَكَرْنَاهُ مِنْهُ لِمَنْ

عَقَلَهُ وَوَفَّقَ لاسْتِعْمَالِهِ، إِنْ شَاءَ اللهُ

تَعَالَى؛ انتهى. 33

باید روزه‌دار علاوه بر اِعمال شرائط

صوم الخاص، از غیر خدا چشم ببندد و

لحظه‌ای نگذارد یاد غیر خدا داخل در دل

او شود؛ باید دل را از افکار دنیویه و

آرزوهای شیطانیه پاک کند و از همتهای

دنیّه دور نگه‌دارد. و بطور کلی شخص  
صائم نگذارد خاطرات و صور داخل در  
ذهن او شود، و آنچه از نیّت‌ها و افکار او را  
می‌گیرد همه خدا باشد و بس. در این  
هنگام است که مسافر به مقصد می‌رسد،  
نور خدا در دل او پیدا می‌شود، و جمال  
او، صفات و اسماء حُسنای او بر بنده

مکشف می‌گردد و خدا در دل مؤمن  
جای می‌گیرد. در حدیث قدسی وارد  
است:

لَا يَسَعُنِي أَرْضِي وَ لَأَسْمَائِي، وَ لَكِن

يَسَعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي. <sup>34</sup>

رَزَقَنَا اللَّهُ وَ جَمِيعَ إِخْوَانِنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

الطَّاهِرِينَ. <sup>35</sup>

مؤمن در آن هنگام غیر خدا نمی بیند و  
از غیر خدا نمی شنود؛ دست او دست  
خدا، پای او پای خدا، چشم و گوش او  
چشم و گوش خدا می گردد، خیمه و  
خرگاه خود را از هر دو جهان تکان داده،  
بار خود را در حریم قدس و حرم امان  
الهی فرود می آورد و فاش می گوید:

يَا كَافِرِينَ أَتُمْنُونُ أَنْ نَنزِلَ إِلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ سُبُحَانًا ۚ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ عِندَنَا قَالِينَ ۚ

كَانَتْ مَنَاجَاتَ قَلْبِي أَوْ بِأَخْوَدِ رَبِّ الْأَرْبَابِ

و ملك الملوک باز می شود.

**مناجات حضرت سیدالشهداء در**

**آخرین لحظات حیات**

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در

آخرین لحظات حیات صورت بروی

خاک گذارده می فرمود:

إِلَهِي رَضِيَ بِقَضَائِكَ وَتَسْلِيمًا

لَأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ

المُسْتَغِيثِينَ! 38

تَكْرِيماً لِمَنْ خَلَقَ أُمَّتِي  
فَلَوْ قَطَّعْتَنِي فِي الْحَبِّ إِرْبًا

لَمَّا حَنَّ الْفُؤَادُ إِلَى سِوَاكَ

---

1- سوره البقرى (2) آيه 183: [ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید  
چنان که امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و  
پرهیزکار شوید.]



---

2- غزالی در إحياء العلوم و کاشانی در المحجّی البيضاء.

3- الکافی، ج 4، ص 62.

4- بحار الأنوار، ج 101، ص 38؛ مستدرک الوسائل، ج 14، ص 268 با اندکی اختلاف: [نگاه کردن تیری است مسموم از تیرهای شیطان، پس کسی که آنرا ترک گوید بجهت ترس از خدا، پروردگار ایمانی به او عطاء می‌نماید که شیرینی و لذتش را در قلب خود احساس می‌کند. مترجم.]

5- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 284: [کسی که غیبت مسلمانی را بکند روزه‌اش باطل خواهد شد و طهارتش زایل می‌شود. پس اگر در این حال از دنیا برود در حالی می‌میرد که محرّمات الهی را حلال شمرده است. مترجم]

6- تفسیر المیزان، ج 5، ص 270: فیما رواه الجمهور عن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلّم قال: لولا تمریح فی قلوبکم و تکثیر فی کلامکم لرأیتم ما أرى و لسمعتم ما أسمع: [اگر نبود تشویش و اضطراب در قلوب و زیاده سخن گفتن شما، قطعاً می‌دیدید آنچه را من می‌بینم و می‌شنیدید آنچه را من می‌شنوم. مترجم]

7- الکافی، ج 4، ص 87: [هرگاه اراده نمودی که روزه بگیری باید گوش و چشم و مو و پوست بدنت نیز روزه‌دار باشند (و سپس حضرت چیزهای دیگری را نیز اضافه نمودند، و فرمودند: اینطور نباشد که فرقی بین روزه و افطار تو احساس نشود. مترجم]

8- همان مصدر: [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: ای جابر این ماه، ماه رمضان است. کسی که در روز این ماه روزه بدارد و پاسی از شب را به ذکر پروردگار و عبادت و قرائت قرآن بگذراند، و شکم خود را از غذای حرام باز دارد و امیال جنسی را در موارد حرام بکار نگیرد و زبانش را در خلاف رضای پروردگار بگردش نیاورد، از گناهان گذشته بیرون می‌آید همچنان که از ماه رمضان خارج خواهد شد.

جابر عرض کرد ای رسول خدا! عجب خبر بشارت دهنده‌ای به ما فرمودید، حضرت و و فرمودند: بلی ولیکن رعایت این شروط بسیار مهم و سخت است.

[مترجم]

9- همان مصدر: [امام صادق علیه السلام فرمودند: امساکِ در روزه منحصر به

---

مأکولات و نوشیدنیها نیست. سپس حضرت فرمودند: حضرت مریم در خطاب به مردم فرمود: من نذر نموده‌ام برای خدا روزه بدارم، یعنی روزه سکوت، (و در نسخه‌ای دیگر کلمه روزه حذف شده است) پس هرگاه روزه گرفتید زبان خود را محفوظ بدارید و چشمان خود را از نگاه به نامحرم و آنچه خلاف رضای خداست بپوشانید و با هم نزاع نکنید و به یکدیگر حسد نوزید. سپس حضرت فرمود: روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدند، زنی در حال روزه به کنیز خود دشنام می‌دهد، حضرت غذایی را حاضر کردند و به آن زن فرمودند: از این غذا تناول کن. آن زن عرض کرد: من روزه دارم ای رسول خدا، حضرت فرمود: چگونه روزه داری درحالی‌که کنیز خود را دشنام می‌دهی، روزه فقط امساک از خوردنیها و نوشیدنیها نیست.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی روزه داشتی گوش و چشم خود را از عمل حرام و زشت دور نگاه‌دار و از جرّ و بحث کردن با مردم و اذیت خادم بپرهیز، و حالت تو در روزه باید توأم با وقار و متانت بوده باشد و دو روز امساک و افطار تو یکسان نباشد. مترجم]

10- نهج البلاغی، محمد عبده، ج 2، ص 161: [و این جماعت گوش‌های خود را فقط در خدمت علمی که نافع است بکار گرفته‌اند (به هر سخن بیهوده و لغوی گوش فرا نمی‌دهند). مترجم]

11- سوره المائدی (5) آیه 42: [آنها جاسوسان دروغ‌زن و خورندگان مال حرامند.]

12- کشف الخفاء، ج 2، ص 215: [کسی که غیبت کند و آنکه این غیبت را بشنود هر دو در گناه یکسان هستند. مترجم]

13- سوره الأعراف (7) آیه 176: [ولیکن او به زمین گرائید وتوجه کرد، و از هوای نفس خود پیروی کرد؛ پس مثال او مثال سگ است که اگر او را تعقیب کنی عوعو می‌کند؛ و اگر هم او را رها کنی عوعو می‌کند.]

14- المحجّی البیضاء، ج 2، ص 136، به نقل از إحياء العلوم: [روزه امانتی است محترم و ارزشمند که از جانب خداوند متعال به بنده‌اش واگذار می‌شود تا هنگام غروب آفتاب، پس باید در حفظ این امانت الهی بکوشید (و با ارتکاب اعمالی که منافی با آن است این امانت الهی را از بین نبرید). مترجم]

15- سوره النساء (4) آیه 58: [خدا أمر می‌کند که باید امانات را به اهلش

برگردانید!]

- 16- المحجّی البیضاء، ج 2، ص 136، به نقل از إحياء العلوم: [گوش و چشم از امانت‌های الهی هستند. مترجم]
- 17- همان مصدر.
- 18- محجّی البیضاء، ج 2، ص 132، به نقل از مسند احمد، ج 2، ص 306 و 313: [رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: به تحقیق که روزه سپر و محافظ از آتش است. پس زمانی که یکی از شما روزه‌دار است نباید کلام زشت و سخن از روی جهالت و نادانی بر زبان آورد، و اگر فردی با او به مقابله برخاست و سخن زشت بر زبان آورد در پاسخ بگوید: من روزه دارم. مترجم]
- 19- سوره البقری (2) آیه 45 و 46: [و از صبر (روزه) و نماز یاری بجوئید، و این کار بسی گران است مگر بر کسانی که دلشان برای خدا خاشع باشد. آنان کسانی هستند که می‌دانند به پیشگاه خدا حاضر خواهند شد و بازگشتشان به سوی او خواهد بود.]
- 20- نهج البلاغی، محمّد عبده، ج 4، ص 35، کلمات قصار: [أمیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: چه بسا از روزه‌دارانی که نصیبی از روزه ندارند جز گرسنگی و عطش و چه بسا از شب زنده‌دارانی که حظّی از بیداری در شب ندارند جز بی‌خوابی و خستگی آن. خوشا به خواب زیرکان و افطار آنان. مترجم]
- 21- بحار الأنوار، ج 1، ص 226، طبع حروفی، حدیث عنوان بصری عن الصادق علیه السّلام: [پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: انسان هیچ ظرفی را انباشته ننمود که بدتر از شکم او باشد. پس اگر چاره‌ای از خوردن غذا نیست، باید یک سوّم آنرا به غذا و یک سوّم را به نوشیدنیها و یک سوّم آن را به تنفس اختصاص دهد. مترجم]
- 22- طوی الحدیث: کتّمه.
- 23- فی لسان العرب: الورد: النَّصِيبُ مِنَ الْقُرْآنِ؛ إلی أن قال: الْوَرْدُ الْجُزْءُ مِنَ اللَّيْلِ يَكُونُ عَلَى الرَّجُلِ يُصَلِّيهِ.
- 24- وفي بعض النسخ: و هاجرَ إلی جُمُعَتِهِ.
- 25- من لا يحضره الفقيه، طبع نجف، ج 2، ص 60؛ و ج 2، ص 97، طبع جامعه مدرّسین: [زراره از امام باقر علیه السّلام روایت می‌کند که فرمودند: زمانی که

---

رسول خدا از عرفات به سمت مینی خارج شدند داخل مسجد شدند، مردم اطراف آن حضرت جمع شدند و از ﴿﴾ لیلی القدر سؤال نمودند، حضرت به قصد ایراد خطبه برخاست و پس از درود بر پروردگار عزوجل فرمود: اما بعد، ای مردم شما از شب قدر سؤال نمودید و من این مطلب را از روی جهل و عدم اطلاع از شما کتمان نکردم، (بلکه از آن مطلع هستم). ای مردم بدانید: کسی که ماه رمضان بر او وارد شود درحالیکه در صحت و تندرستی روزه خود را بجای آورد و پاسی از شب را به دعا و قرآن و عبادت بگذراند و بر نمازهایش مواظبت داشته باشد و در نماز جمعه حضور یابد و عید فطر را با این حالت ادراک کند، پس قطعاً شب قدر را ادراک کرده است و جائزه ضیافت الهی را به خود اختصاص داده است. مترجم]

26- همان مصدر: [امام صادق علیه السلام فرمود: تلاش نمائید به جوائز الهی دست یابید که قسم به خدا مانندی برای آنها نیست. مترجم]

27- بحار الأنوار، ج 14، ص 520 طبع رحلی؛ و ج 59، ص 141، طبع حروفی: [از امام علیه السلام نقل شده است که: در رأس بهداشت مدارا نمودن با اقتضای مزاج بدن است. مترجم]

28- همان مصدر، ص 142: [از امام رضا علیه السلام مروی است: اگر مردم در مأكولات جانب احتیاط و کم خوردن را رعایت می نمودند به تحقیق بدنها و اجسام آنان همیشه در صحت و سلامتی و در مقابل بیماریها مصونیت می یافت. مترجم]

29- همان مصدر: [از امام علیه السلام نقل شده است که فرمود: پرهیز علت اصلی در مداوا است و معده جایگاه همه امراض است، و به هر چه بدنت را عادت دهی عادت می کند. مترجم]

30- [از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرویست: از پرخوری بپرهیزید که بدن را به تباهی می کشاند و به امراض گوناگون مبتلا می سازد و برای عبادت کسالت و سستی می آورد. مترجم]

31- همان مصدر، ج 14، ص 546 طبع رحلی؛ و ج 59، ص 266، طبع حروفی: [اصیغ بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: ای فرزندم، آیا نمی خواهی که چهار چیز به تو بیاموزم تا بواسطه آن از طب بی نیاز شوی؟ امام حسن علیه السلام عرض کرد: بفرمائید. امیرالمؤمنین

---

فرمودند: اوّل اینکه قبل از گرسنگی کامل بر سر سفره غذا ننشینی، دوّم تا کاملاً سیر نشده‌ای دست از طعام برداری و سوّم آنکه غذا را خوب بجوی، و چهارم قبل از خواب بیت الخلاء را فراموش منما. اگر این چهار چیز را رعایت نمائی به طبیب مراجعه نخواهی نمود.

سپس حضرت فرمود: در قرآن آیه‌ای است که تمام طب و بهداشت را در خود

جمع نموده است «بخورید و بیاشامید ولیکن اسراف مکنید». [مترجم]

32- من لا یحضره الفقیه، طبع نجف، ج 2، ص 113؛ و وسائل الشیعی، ج 5، ص 140؛ و نظیر این روایت از حضرت مجتبی علیه السّلام در همان کتاب در باب صلاّی نقل شده است: [در روز عید فطری امام حسن مجتبی علیه السّلام دیدند جمعی به خوردن و شوخی کردن و سرگرمی مشغولند، درحالیکه به آنها نگاه می‌کردند به اصحاب خود فرمودند: خدای متعال ماه رمضان را میدان مسابقه بندگانش قرار داد که بواسطه اطاعت و انقیاد از او بسوی رضوان و مراتب عالیّه بهشت سبقت بگیرند پس گروهی در این عرصه پای همّت به میان نهادند و گوی سبقت از دیگران ربودند و گروهی با سستی و تکاهل و غفلت خویش را به عقب راندند و از نعیم الهی خود را محروم ساختند. پس چقدر عجیب و ناپسند است از گروهی که اوقات خود را به خنده و سرگرمی در روزی بگذرانند که پاداش نیکوکاران در این روز به آنان عطاء می‌شود و سرشکستگی و سرافکنندگی را برای کاهلین و سست عزمها روا می‌دارند، و قسم به خدای متعال که اگر پرده از جلوی چشمان شما برداشته می‌شد می‌دیدید که چگونه نیکوکاران در نعیم و لذت حسنات و کردار نیکوی خویش منغمزند و چگونه ستمکاران و نا اهلان گرفتار عذاب و مصائب کردار زشت و ناپسند خودند. [مترجم]

33- مصباح الشریعی، ص 135 و 136 با اندکی اختلاف: [امام صادق علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: روزه سپری است که از آفتها و امراض دنیوی محافظت می‌نماید و حجابی است از عذاب آخرت، پس هنگامی که قصد روزه داشتی نیت خود را از روزه، نگهداری و در بند کشیدن نفس از شهوتها و کوتاه نمودن میل و اراده به خطوات و راههای شیطان قرار ده؛ و خود را در جایگاه افراد مریض قرار بده که هیچ اشتیاقی به غذا و نوشیدنی ندارند، و در هر لحظه از خدای متعال انتظار شفای از گناهان گذشته را داشته باش، و باطن خود را از هر عمل خلاف واقع و غفلتی که موجب کدورت و ظلمت است پاک گردان. کدورت و غفلتی که تو را از

حقیقت اخلاص و صفای ضمیر در افعال و کردارت نسبت به پروردگار باز دارد، و پس از بیان مطالبی حضرت فرمودند:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «خداى متعال مى‌گوید: روزه اختصاص به من دارد و من خود پاداش آن را خواهم داد و یا اینکه من خود پاداش آن خواهم بود.» ﴿﴾ و روزه مى‌میراند خواهشها و امیال شهوانی و حیوانی نفس را، و موجب پاکیزگی قلب و روان و طهارت اعضا و جوارح، و اصلاح ظاهر و باطن آدمی، و سپاس بر نعمتهای الهی، و نیکی و مساعدت به فقرا و زیادت تضرع و انابه و خشوع و گریه و تمسک به ریسمان عنایت حق، خواهد شد.

در عین حال نیز سبب فروکش نمودن امیال نفسانی و تخفیف گناهان و زیادتی ثواب بر کارهای پسندیده است، و در روزه منافع و فائده‌هایی نصیب انسان می‌شود که از شمارش فراتر است، و در این گفتار برای کسی که عقل خود را بکار انداخته، و توفیق عمل به آن را از ناحیه پروردگار داشته باشد کفایت است، انشاء الله تعالی. [مترجم]

34- عوالی اللئالی، ج 4، ص 7؛ ولكن نقله العلامة المجلسی فی البحار، ج 20، ص 209 طبع رحلی: لَمْ يَسْعِنِي سَمَائِي وَ لَا أَرْضِي وَ وَسِعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ: [ظرفیت و سعة جلوات ذاتیه مرا ندارد نه زمین من و نه آسمانهای من ولیکن ظرفیت آنها قلب بنده مؤمن من خواهد داشت. (خداوند متعال وصول به چنین مرتبه‌ای را نصیب ما و تمامی برادران ایمانی ما بگرداند بمحمد و آله طاهربین.) [مترجم]

35- إِعْلَمُ أَنَّ لِلْسَيِّدِ بْنِ طَاوَسَ (رَه) كَلَامًا فِي أَصْنَافِ الصَّائِمِينَ وَ آدَائِهِمْ.

36- تاریخ مدینی دمشق، ج 7، ص 22.

37- ذیل تاریخ بغداد، ج 1، ص 81: [واگذار نمودم به مردم هم دینشان را و هم دنیایشان را، و برای خود اشتغال به یاد تو را برگزیدم ای کسی که هم دین من و هم دنیای من هستی. قبل از آنکه با تو آشنا شوم قلب من به هر سو گرایش و به هر چیزی متمایل می‌شد. ولی پس از آنکه چشم من به جمال روی تو منور شد تمام آن هواها و میل‌ها فقط در مصاحبت و همنشینی با تو متمرکز و منحصر گردید. [مترجم]

38- لمعات الحسین، ص 38، طبع مخطوط، به نقل از مقتل مُقَرَّم، ص 423.